



از مشکل خویش است انسان

تاملی در کتاب «در مسیر شخصیت»



علی زمانیان

اشاره: بحث زیر نوشته محقق محترم آقای علی زمانیان درباره کتاب ارزشمندی است که خواندن آن فواید بسیار دارد و این مختصر هم شرح مفید و جامعی بر آن کتاب است. مشخصات اثر بدین قرار است: کتاب: در مسیر شخصیت / نویسنده: دیوید بروکز / مترجم: اصلا ن قودجانی / انتشارات: طرح نو



الف) محدودیت‌های هستی‌شناختی، یعنی «عقل ما ضعیف و دنیا ظریف است. ما در عمل نمی‌توانیم ظرایف دنیا را تمام و کمال دریابیم و به حقیقت محض خودمان پی ببریم».

ب) محدودیت‌های اخلاقی، «در روان ماییماری‌هایی هست که ما را به خودخواهی و غرور سوق می‌دهد و وسوسه‌مان می‌کند تا دل بستگی‌های کهنتر را به دل بستگی‌های مهتر ترجیح دهیم».

ج) محدودیت‌های روان‌شناختی، «ما از درون گسیخته هستیم. از فوری‌ترین انگیزه‌های ذهنی خودمان ناخودآگاه هستیم».

د) محدودیت‌های اجتماعی، «ما مخلوقاتی خود تکمیل‌کننده نیستیم و برای رشد کردن و موفقیت ناچاریم به وضعیت وابستگی به دیگران، نهادها و حدس و استنباط‌ها تن دهیم».

ه) همه‌ی انسان‌ها آمیخته‌ای از خطاها و صواب‌ها هستند. هیچ کس مقدس، فرشته یا دیو نیست. به تعبیر «اسکار وایلد»، هر قدیسی، گذشته دارد و هر گنهکاری، آینده‌ای. و نویسنده، مخاطب را با خطاها و گنهکاری‌های به ظاهر قدیسانی آشنا می‌کند تا بگوید همه‌ی انانی که از نظر ما به درجاتی از تعالی و توفیق رسیده‌اند از چه مراحل عبور کرده‌اند. و تا به ما بگوید، همه آنان، «انسانی بودند و افعال انسانی».

مزیت کتاب «در مسیر شخصیت» در مقایسه با کتاب‌های هم‌عرض خود، این است که خواننده را به مشاهده‌ی زندگی زیسته‌ی افراد می‌برد تا خود از نزدیک ببیند آنان برای آن که بر پای خود بایستند، چه کرده‌اند و چه مسیر پررنجی را پیموده‌اند.

می‌پردازد که مسیر سخت را طی کردند و از «آدم اول» به «آدم دوم» تبدیل شدند.

بخشی از درس‌های گرانهایی که از کتاب می‌توان آموخت به شرح زیر است:

۱. آدمی در جهت اصلاح و شکوفایی خویش، ابتدا با ویژگی‌هایی صعب و سخت درونی خود مواجه می‌شود که چون «الوار خمیده»، کار را دشوار و بهبود را مشکل می‌سازد. بنابراین ساختن خویش، کاری آسان نیست. هر یک از فضیلت‌ها آسان به دست نمی‌آید. زجرها باید کشید و تمرین‌ها لازم دارد.

۲. «جدال با ضعف‌های درونی با رویکرد گوشه‌گیرانه و در انزوا ممکن نیست». «اراده، خرد، همدردی و شخصیت فردی به تنهایی آن قدر ندارند که در هر حال بتوانند خودخواهی، غرور، آزمندی و خودفریبی را شکست دهند. هر کس محتاج یاری نجات‌بخش بیرونی - از خانواده، دوستان، اجداد، قواعد، سنت‌ها، نهادها، الگوها، و البته در باره‌ی خدا باوران، از سوی خداوند - است».

۳. در مقایسه میان «فضایل رزومه‌ای» و فضایل نکنونامی، «البته فضایل نکنونامی مهمتر است. «دیوید بروکز»، فضایل رزومه‌ای را توانایی‌ها و مهارت‌هایی برمی‌شمارد که در معرفی خود برای به دست آوردن شغل و بازار ردیف می‌کنیم. اما فضایل نکنونامی، اشاره به فضیلت‌هایی اکتسابی اخلاقی است که در هنگام مراسم ترحیم از متوفی یاد می‌کنند. مانند وفاداری، شجاعت، صداقت و مهربانی و مهمتر از همه‌ی فضیلت‌ها، فروتنی و نظایر این‌ها.

۴. در مسیر ساختن شخصیت‌مان بدانیم با چهار گونه محدودیت مواجه خواهیم شد:

نویسنده با در میان آوردن زندگی بزرگان و افرادی نامدار، می‌خواهد به ما بگوید جریان دایمی «شدن» و طی کردن مسیر شخصیت، نه آسان است، نه دفعی و نه مقطعی و نه یک بار برای همیشه. بلکه پروسه‌ای است طولانی، مستمر و پر زحمت و البته با همراه انواع محدودیت‌ها و رنج‌ها.

گاهی که از فاصله به خودمان نگاه می‌کنیم می‌بینیم «آن کار خیری را که می‌خواهیم، انجام نمی‌دهیم؛ ولی کار شری را که نمی‌خواهیم، انجام می‌دهیم» (انجیل - رساله‌ی رومی‌ها). «دیوید بروکز» در جایی دیگر از کتاب خود، زندگی را به منزله‌ی مدرسه‌ای تمام عیار معرفی می‌کند و معتقد است فقط برخی افراد به مدرسه بودن زندگی آگاهی دارند. افرادی که می‌توانند درس‌هایی از این مدرسه بیاموزند. اما سایرین به غفلت، عمر خویش را به بطلت و بیهودگی می‌گذرانند. به تعبیری دیگر، فقط زنده بودن کافی نیست، بلکه باید زندگی را به مثابه‌ی مدرسه تلقی کرد و از آن، آموخت.

کتاب «در مسیر شخصیت»، از مضامین و ایده‌هایی استفاده می‌کند که هر یک، می‌تواند دستاویز گفتاری مستقل و مفصل گردد. هر یک از این ایده‌ها، چشم‌های ما را به زوایای تاریک و جودی خویش و به ابعاد پنهان زندگی باز می‌کند. نویسنده اما این درس‌ها را نه به صورت انتزاعی و بریده از واقعیت عینی، که دقیقاً با رویکردی انضمامی و با بیان زندگی واقعا موجود افرادی بیان می‌کند تا نشان دهد، همه‌ی انانی که از نظر ما زندگی پر بار و موفق داشته‌اند و با شخصیت و درونی شکوفا یافته‌اند، از کدام مسیرهای سنگلاخ و راه‌های پر فراز و نشیب عبور کرده‌اند. به جدال کسانی با ضعف‌های شان

«داره کردن خویش، خیلی شبیه دریاوردی در میانه‌ی طوفان است. انتقال وزن به یک طرف، وقتی که قایق به سمت راست متمایل می‌شود و انتقال به سوی دیگر وقتی به سمت چپ میل می‌کند؛ به عبارتی انطباق و انطباق و باز هم انطباق، تا جایی که توازن و آرامشی که پیامد تعادل است رخ بنماید».

«دیوید بروکز» در کتاب خواندنی «در مسیر شخصیت»، آدمیان را چونان «الوار خمیده» می‌داند که برای ساخته شدن به هزار زحمت خواهند افتاد. الوار خمیده‌ای که دارای این ویژگی‌ها است:

۱. خودمحوری و خودخواهی
۲. استفاده ابزاری از دیگران برای رسیدن به خواسته‌ها
۳. داشتن ظرفیت بالای غفلت و وزیدن
۴. معقول جلوه دادن نواقص
۵. متورم کردن فضایل شخصی

«بروکز» وقتی از استعاره‌ی «الوار خمیده» یاد می‌کند، در واقع به ضعف‌ها، سستی‌ها و نواقص اشاره می‌کند که تو گویی در سرشت بشر نهفته است. و آدمی در مسیر تحول و به بار نشستن شخصیت‌اش، لاچارم باید به تامل و تحمل، و با در نظر گرفتن اعوجاج سرشتی و واقعیت اجتناب‌ناپذیر، به ساختن خویش اهتمام ورزد.

تمثیل زندگی، به باقیی گرفتار شده در دریای طوفانی، تمثیلی است که «دیوید بروکز» از آن استفاده می‌کند تا نشان دهد زندگی، سراسر کشمکش‌ی پایان‌ناپذیر و مملو از تعارض‌هایی است که هیچ راه حل قطعی و درمان‌بی‌چون و چر ندارد. این همان جاده‌ی ای است که تمام انات عمر آدمی در مسیر «شدن»، بر روی آن قرار دارد. مسیری که شخصیت‌ما ساخته می‌شود و «انی» می‌شویم که اکنون هستیم.